

اجتناب مالیاتی و اثر جایگزینی اعتبار تجاری و اعتبار بانکی رویکرد معادلات همزمان

نوع مقاله: پژوهشی

لیلی مهدی حمزه^۱

اکبر زواری رضایی^۲

پرویز پیری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۸

چکیده

هدف: اینگونه استدلال می‌شود که ارزیابی اثر اجتناب مالیاتی بر اعتبار تجاری مهم است زیرا ارائه دهندگان سرمایه به طور مشترک سطح و عدم اطمینان اجتناب مالیاتی را در تصمیمات خود در نظر می‌گیرند. این موضوع برای اعتبار بانکی نیز قابل طرح است، زیرا بر اساس ادبیات موجود بانک‌ها اجتناب مالیاتی را به عنوان یک ریسک در عدم بازپرداخت وام اعطایی در نظر می‌گیرند و با اعمال شرایط سختگیرانه، شرکت‌ها را ترغیب به استفاده از اعتبار تجاری به جای اعتبار بانکی تشویق می‌نمایند. این موضوع ممکن است ابعاد تجاری را جایگزین اعتبار بانکی نماید. با این وجود دلایلی نیز وجود دارد، که می‌تواند با تاثیرپذیری از اجتناب مالیاتی، اعتبار بانکی را جایگزین اعتبار تجاری نماید. پشتوانه اتکای شرکت‌ها به اعتبار تجاری نظریه‌های هزینه معامله، علامت‌دهی و نظریه مبتنی بر سرمایه‌گذاری است. با توجه به این مقدمه، هدف پژوهش حاضر بررسی اثر اجتناب مالیاتی بر جایگزین شدن اعتبار تجاری و اعتبار بانکی با استفاده از رویکرد معادلات همزمان است.

روش: به دلیل این که نتایج حاصل از پژوهش حاضر می‌تواند در فرآیند تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار گیرد، مطالعه حاضر از شاخه پژوهش‌های کاربردی بوده و از آنجایی که داده‌ها بر اساس اطلاعات واقعی گذشته جمع‌آوری شده‌اند از نوع پس رویدادی است. همچنین این پژوهش، از لحاظ ماهیت توصیفی-همبستگی است. در این گونه پژوهش‌ها هدف، مطالعه و بررسی روابط بین متغیرهای پژوهش می‌باشد. بر

^۱ دانشجوی دکتری گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

l.mahdihamzah@urmia.ac.ir

^۲ استادیار، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. (نویسنده مسئول)

a.zavarirezaei@urmia.ac.ir

^۳ دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران p.piri@urmia.ac.ir

اساس شرایط و محدودیت‌های اعمال شده بر جامعه آماری پژوهش، نمونه‌ای متشکل از ۱۰۶ شرکت پذیرفته شده در بورس تهران برگزیده شده و با استفاده از الگوهای رگرسیونی چند متغیره و سیستم معادلات همزمان و با بهره‌گیری از نرم افزار استیما و ایویوز مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد با افزایش سطح اجتناب مالیاتی، اعتبار تجاری اعطایی از طریق تامین کنندگان منابع مالی کاهش می‌یابد. همچنین نتایج گواه آن است که اعتبار بانکی جایگزین اعتبار تجاری در محیط اقتصادی ایران شده، اما فرضیه تاثیر اجتناب مالیاتی بر اتکای شرکت‌ها به اعتباری تجاری و در نتیجه کاهش اعتبار بانکی مورد تایید قرار نگرفت. در نهایت مشخص گردید که اجتناب مالیاتی تاثیر معناداری بر اعتبار بانکی ندارد.

نتیجه‌گیری: دلایل مختلفی برای توجیه تاثیر منفی اجتناب مالیاتی بر اعتبار تجاری وجود دارد. نخست، این امکان وجود دارد که تامین کنندگان منابع مالی به دلیل ماهیت ریسک‌گریزیشان اعتبار تجاری کمتری را به اجتناب کنندگان مالیات ارائه دهند (ادواردز، اسچوآب و شولین، ۲۰۱۶). همچنین اجتناب مالیاتی ممکن است به عنوان یک منبع تامین مالی موقت عمل کرده و بر اعتبار تجاری تاثیر منفی داشته باشد (حسن و حبیب، ۲۰۲۳). علاوه بر این، نتایج حاصل از بررسی آمار توصیفی این مطالعه نشان می‌دهد، که بخش اعظمی از ساختار سرمایه شرکت‌های مورد بررسی را بدهی‌های بانکی پوشانده است. استدلال محققین پژوهش حاضر بر آن است که این مورد تحت تاثیر شرایط تورمی ایجاد می‌شود. افزایش مستمر قیمت‌ها، تمایل شرکت‌ها به تامین مالی از طریق بانک را افزایش می‌دهد و از طرفی نیز اعتبار دهنده تجاری در چنین شرایطی حاضر به اعطای اعتبار به دلیل زیان ناشی از جایگزینی اعتبار فعلی نیست.

این موضوع نتایج فرضیه دوم از طریق رویکرد معادلات هم زمان را نیز تایید کرده و نتایج این فرضیه نشان می‌دهد که اجتناب مالیاتی با کاهش اتکای شرکت بر اعتبار بانکی موجب افزایش استفاده از اعتبار تجاری نمی‌شود. بارزترین دلیلی که می‌تواند این نتیجه را حاصل نماید، شرایط و محیط اقتصادی ایران است. تفاوت نتایج مطالعه حاضر با پژوهش‌های خارجی نشان می‌دهد که میانگین میزان استفاده بدهی بانکی در ساختار سرمایه شرکت‌های ایرانی بطور تقریبی سه برابر بیشتر از شرکت‌های خارجی است. نتایج نشان می‌دهد ارائه-دهندگان اعتبار بانکی اهمیتی برای اجتناب مالیاتی قائل نیستند و یا این ریسک را از طریق اعمال شرایط سختگیرانه کاهش می‌دهند. بنابراین، به‌طور کلی می‌توان بیان نمود که فرضیه جایگزینی اعتبار تجاری و اعتبار بانکی مورد تایید قرار می‌گیرد، اما دلیل این جایگزینی اجتناب مالیاتی نمی‌باشد و در شرایط جامعه آماری پژوهش حاضر این اعتبار بانکی است که جایگزین اعتبار تجاری می‌شود.

واژه‌های کلیدی: اجتناب مالیاتی، اعتبار تجاری، اعتبار بانکی، عدم تقارن اطلاعاتی، اثر جایگزینی.

طبقه بندی JEL: D82, D81, G14, C30

مقدمه

استدلال‌های موجود در مورد تاثیر اجتناب مالیاتی بر اعتبار تجاری به دو شکل مطرح می‌شوند. اولین استدلال این است که، پیش‌بینی می‌شود اجتناب مالیاتی به دلایل زیر بر اعتبار تجاری اثر منفی داشته باشد. اولاً، طلبکاران تجاری وام‌دهندگان هستند و بنابراین ممکن است مانند وام‌دهندگان بانکی، اجتناب مالیاتی را منفی ببینند (حسن و همکاران، ۲۰۱۴). این به این دلیل است که، اگرچه اجتناب مالیاتی به شرکت‌ها کمک می‌کند تا نقدینگی داخلی تولید کنند، مدیران ممکن است وسوسه شوند از چنین منابعی سوء استفاده نموده (خورانا، موزر و رامان، ۲۰۱۸)، که می‌تواند سیگنال منفی در مورد اعتبارگیرنده به تامین‌کننده منبع مالی ارسال کند (مهدوی و همکاران، ۱۴۰۱). بنابراین، اجتناب از مالیات احتمالاً باعث ایجاد فعالیت‌های فرصت‌طلبانه مدیران شود و عملکرد عملیاتی اعتبارگیرندگان را تحت تأثیر قرار داده و تأمین‌کنندگان را در معرض خطر قرار دهد. این نتیجه ممکن است نشان‌دهنده رابطه منفی بین اجتناب مالیاتی و اعتبار تجاری باشد. دوماً، تامین‌کنندگان می‌توانند نگران هزینه‌های اعتبار مرتبط با اجتناب مالیاتی باشند. آسیب اعتبار ناشی از اجرای استراتژی‌های مالیاتی تهاجمی می‌تواند اعتماد بین اعتبارگیرنده و تامین‌کننده را به خطر بیندازد و تامین‌کنندگان را وادار کند که اعتبار تجاری را به مشتریانی که در فعالیت‌های اجتناب از مالیات شرکت می‌کنند تعلق ندهند. در نهایت، تا جایی که شرکت‌ها اجتناب مالیاتی را به عنوان منبع تامین مالی می‌بینند و این منبع نیاز به سایر منابع تامین مالی را کاهش می‌دهد (ادواردز، اسچوآب و شولین، ۲۰۱۶)، شرکت‌های اعتبارگیرنده ممکن است تصمیم بگیرند که از اعتبار تجاری ارائه شده توسط تامین‌کننده استفاده نکنند، زیرا هزینه ضمنی آن بیشتر است. از سوی دیگر، بر اساس دیدگاه دوم با تکیه بر استدلال جایگزینی، یک رابطه مثبت بین اجتناب مالیاتی و اعتبار تجاری قابل پیش‌بینی است. به طور خاص، اگرچه پس‌اندازهای نقدی ناشی از برنامه‌ریزی مالیاتی منبع ارزشمندی از بودجه است (ادواردز، اسچوآب و شولین، ۲۰۱۶)، اجتناب مالیاتی مستلزم هزینه‌های نمایندگی قابل توجهی است (کیم، لی و ژانگ، ۲۰۱۱). بانک‌ها به دلیل ماهیت مدعی ثابت خود، پتانسیل صعودی ناشی از اجتناب مالیاتی را به اشتراک نمی‌گذارند. بنابراین، بانک‌ها ممکن است اجتناب مالیاتی را به‌عنوان یک تعهد پرخطر در نظر بگیرند و تنها با شرایط بسیار سخت‌گیرانه وام دهند، در نتیجه دسترسی شرکت‌های اجتناب‌کننده مالیاتی را به یک منبع رسمی تامین مالی محدود می‌کنند (حسن و همکاران، ۲۰۱۴). بنابراین شرکت‌های اجتناب‌کننده از مالیات به دنبال منابع مالی جایگزین مانند اعتبار تجاری هستند. این استدلال به طور ضمنی جایگزینی بین اعتبار تجاری و اعتبار بانکی را فرض می‌کند. مطالعات موجود نشان می‌دهد که تامین‌کنندگان ممکن است به شرکت‌هایی که از اجتناب مالیاتی استفاده می‌کنند،

اعتبار تجاری ارائه دهند، زیرا یک رابطه پایدار ممکن است در بلندمدت برای آنها مفید باشد. علاوه بر این، پس‌اندازهای نقدی ناشی از اجتناب مالیاتی ممکن است سیگنال مثبتی را برای تامین‌کنندگان فراهم کند مبنی بر اینکه مشتریان کمتر احتمال دارد در پرداخت‌های خود قصور کنند (حسن و حبیب، ۲۰۲۳). اجتناب از مالیات علاوه بر داشتن مزایایی برای شرکت‌ها، هزینه‌های متعددی را نیز به دنبال داشته، که از جمله آن می‌توان به افزایش هزینه وام‌های بانکی (حسن و همکاران، ۲۰۱۴؛ ایسین، ۲۰۱۸) اشاره کرد. در این صورت اجتناب مالیاتی با محدود کردن دسترسی به اعتبار بانکی، احتمالاً اتکا به اعتبار تجاری را افزایش خواهد داد.

پژوهش حاضر قصد دارد علاوه بر گسترش ادبیات تجربی موجود، به این سوال پاسخ دهد که اعتباردهندگان چه واکنشی در قبال استراتژی مالیاتی شرکت‌ها از خود نشان خواهند داد و آیا اجتناب از مالیات موجب جایگزینی منابع تامین مالی خارجی شرکت‌ها بویژه در محیط اقتصادی ایران می‌شود. این شکاف در ادبیات با توجه به اینکه اعتبار تجاری یکی از منابع منظم و مهم تامین مالی خارجی است، تعجب‌آور است. بنابراین مطالعه حاضر این ادبیات را با بررسی اینکه چگونه استفاده از اعتبار تجاری تحت تأثیر اجتناب مالیاتی قرار می‌گیرد، پیش برده و اثر جایگزینی اعتبار تجاری با اعتبار بانکی را در شرایط اقتصادی ایران بررسی می‌نماید. این موضوع از آنجایی اهمیت بیشتری دارد که در اقتصادهای دارای تورم رو به افزایش، تمایل به تامین منابع مالی از طریق تسهیلات بانکی بیشتر است. در ادامه مبانی نظری پژوهش حاضر جهت تفهیم بهتر موضوع ارائه گردیده است.

۱- ادبیات موضوع

دیدگاه‌های متفاوتی در مورد تأثیر اجتناب مالیاتی بر تامین مالی کوتاه مدت شرکت‌ها و منبع تامین مالی از طریق بانک وجود دارد که ممکن است این منابع تامین مالی را جایگزین همدیگر نماید. در دیدگاه نخست بیان می‌شود که فعالیت‌های پیچیده و مبهم اجتناب مالیاتی می‌توانند فرصت‌های مدیریتی را برای دستکاری سود افزایش دهند (کیم، لی و ژانگ، ۲۰۱۱). حسابداری پیچیده مالیاتی که دارای برآوردها، ذخایر احتیاطی مالیاتی و برآورد مالیات تعهدی، می‌تواند توسط مدیران به منظور ایجاد یک محیط گزارشگری غیرشفاف مورد سوءاستفاده قرار گیرد (فرانک و رگو، ۲۰۰۶؛ گوپتا، لاوکس و لینچ، ۲۰۱۶). چنین حسابداری مالیاتی پیچیده و تناقضات افشای مرتبط با اطلاعات مالیاتی خاص، عدم تقارن اطلاعاتی بین وام‌گیرندگان و وام‌دهندگان را افزایش می‌دهد (کریمی و همکاران، ۱۴۰۱؛ دی سیمون و استومبرگ، ۲۰۱۲؛ پلاملی، ۲۰۰۳؛ رابینسون و اشمیت، ۲۰۱۳). از آنجایی که دارندگان بدهی بانکی به طور متوسط از اجتناب مالیاتی منتفع نمی‌شوند،

ممکن است شرکت‌های فراری از مالیات را با افزایش هزینه بدهی و تحمیل شرایط تعهدات سخت‌گیرانه‌تر جریمه کنند (جعفری و همکاران، ۱۳۹۹؛ حسن و همکاران، ۲۰۱۴). بنابراین شرکت‌هایی که قصد افزایش سود خود را دارند و از پرداخت مالیات اجتناب می‌کنند، باید بین هزینه‌ها و مزایای نسبی فرصت‌های تأمین مالی جایگزین، توازن ایجاد کنند. این موضوع ممکن است منابع تأمین مالی خارجی کوتاه مدت شرکت را جایگزین اعتبار بانکی نماید.

بنابراین بر اساس دیدگاه نخست اینگونه استدلال می‌شود که اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را وادار می‌کند تا از اعتبار تجاری بیشتری به عنوان جایگزینی برای اعتبار بانکی (بدهی بانکی) استفاده کنند. دلایل مختلف دیگری نیز این استدلال را تقویت می‌کند. به عنوان مثال اعتبار تجاری علیرغم هزینه ضمنی بالایی که دارد، به شرکت‌ها اجازه می‌دهد بدون پرداخت فوری، کالاها را خریداری کنند. به‌طوری که این اعتبار غیرنقدی، تداوم و رشد شرکت‌ها را تضمین می‌کند (کانات، ۲۰۰۷). اعتبار تجاری همچنین می‌تواند به عملیات کنترل کیفیت شرکت‌ها کمک کند، زیرا آنها را قادر می‌سازد قبل از پرداخت، کیفیت محصول را ارزیابی کنند (اسمیت^۱، ۱۹۸۷). در نهایت، اعتبار تجاری می‌تواند انعطاف‌پذیری مالی بیشتری را نسبت به وام‌های بانکی برای شرکت‌ها فراهم کند (به عنوان مثال، تاخیر در پرداخت اعتبار تجاری در طول نوسانات موقت در فعالیت واحد تجاری) (حسن و حبیب، ۲۰۲۳).

استفاده از اعتبار تجاری بیشتر، توسط شرکت‌های اجتناب‌کننده مالیاتی، با استدلال طرف اعتباردهنده نیز مطابقت دارد: اجتناب مالیاتی ممکن است نشان‌دهنده توانایی شرکت‌ها برای حفظ وجه نقد برای تأمین نیازهای سرمایه در گردش، از جمله پرداخت‌های اعتبار تجاری و نیازهای سرمایه‌گذاری باشد. چنین سیگنالی ممکن است اعتماد تأمین‌کنندگان را به اعتبار خریداران نشان تقویت کند و با توجه به روابط نزدیک بین دو طرف، تأمین‌کنندگان ممکن است نسبتاً تمایل بیشتری به ارائه اعتبار به شرکت‌های اجتناب‌کننده مالیاتی داشته باشند (حسن و حبیب، ۲۰۲۳). بنابراین بر اساس این دیدگاه غالب در ادبیات نظری و تجربی، اجتناب مالیاتی تأثیر مثبتی بر اعتبار تجاری خواهد گذاشت و از طرفی نیز اعتبار تجاری را جایگزین اعتبار بانکی می‌نماید.

اگرچه هزینه ضمنی اعتبار تجاری بسیار بالاتر از اعتبار بانکی است، بسیاری از شرکت‌ها در سراسر جهان از اعتبار تجاری به عنوان یک منبع جایگزین مهم تأمین مالی استفاده می‌کنند. نظریه‌های رایج برای توضیح اتکای شرکت‌ها به اعتبار تجاری شامل نظریه هزینه معامله^۲،

^۱ Smith

^۲ transaction cost theory

علامت‌دهی^۱ و نظریه مبتنی بر سرمایه‌گذاری^۲ است. نظریه هزینه معامله پیشنهاد می‌کند که اعتبار تجاری هزینه‌های مبادله را کاهش می‌دهد زیرا مشتریان می‌توانند پرداخت‌ها را به تأخیر بیاورند (فریس، ۱۹۸۱؛ امری، ۱۹۸۷؛ پترسن و راجان، ۱۹۹۷). بنابراین، اعتبار تجاری یک جایگزین کلیدی برای تامین مالی شرکت‌هایی است که عدم تقارن اطلاعاتی، محدودیت‌های مالی، و ریسک درماندگی دارند (پترسن و راجان، ۱۹۹۴، ۱۹۹۵؛ دلوف و جگرز، ۱۹۹۹؛ کانات، ۲۰۰۷؛ مولینا و پرو، ۲۰۱۲). نظریه علامت‌دهی بیان می‌کند که اندازه و زمان‌بندی سفارش مشتری، سیگنال‌هایی را در مورد وام تجاری آن مشتری به تامین‌کنندگان می‌فرستد و عدم دسترسی مشتریان به تخفیف‌های پرداخت زود هنگام، سیگنال‌هایی از ظرفیت بازپرداخت آنها را ارائه می‌دهد (پترسن و راجان، ۱۹۹۷؛ فیسمن و لاو، ۲۰۰۳). در نهایت داس، کاله و ناندا (۲۰۱۵) و گونسالوز، اسپیوزر و شنگ (۲۰۱۸)، نشان می‌دهند که قدرت چانه زنی و سرمایه‌گذاری‌هایی که شرکت برای ایجاد یا حفظ یک رابطه تجاری با مشتری خاصی انجام می‌دهد، پیامدهای مهمی برای اعتبار تجاری ارائه شده توسط تامین‌کننده دارد. زمانی که سرمایه‌گذاری صرف شده در حفظ رابطه آنها در معرض خطر است، تامین‌کنندگان مایل به افزایش اعتبار تجاری هستند (ویلنر، ۲۰۰۰). سرمایه شهرت اعتبارگیرنده که روابط طولانی‌مدت با تامین‌کننده را تسهیل می‌کند، می‌تواند تامین‌کنندگان را برای ارائه اعتبار تجاری ترغیب کند (وو، فیرس و ریو، ۲۰۱۴؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۱۴). ادبیات قبلی نشان می‌دهد که اجتناب مالیاتی باعث ایجاد اطلاعات نامتقارن و مشکلات محدودیت در تامین مالی می‌شود (فرانک، لینچ و رگو، ۲۰۰۹؛ بالاکریشن، بلوین و گای، ۲۰۱۹). مطالعات همچنین نشان می‌دهد که وقتی تامین مالی خارجی دشوار و پرهزینه می‌شود، مشتریان به اعتبار تجاری به عنوان منبع جایگزین تامین مالی روی می‌آورند (پترسن و راجان، ۱۹۹۴؛ کانات، ۲۰۰۷؛ مولینا و پرو، ۲۰۱۲). بنابراین، اگر استدلال دیدگاه تأثیر مثبت اجتناب مالیاتی بر اعتبار تجاری صحیح باشد، این استدلال به طور ضمنی جایگزینی بین اعتبار تجاری و اعتبار بانکی را فرض می‌کند.

با این حال، دیدگاه دیگری نیز برای پیش‌بینی رابطه منفی بین اجتناب مالیاتی و اعتبار تجاری وجود دارد. این پیش‌بینی مبتنی بر ادبیات قبلی است که نشان می‌دهد اجتناب از مالیات کمک می‌کند تا محدودیت‌های تامین مالی رفع شود و دسترسی به تامین مالی خارجی فراهم شود (ادواردز، اسپوآب و شولین، ۲۰۱۶)، که این موضوع شرکت‌ها را قادر می‌سازد تا از اعتبار تجاری که هزینه ضمنی بالایی دارد، اجتناب کنند. علاوه بر این، درجه بالایی از اجتناب مالیاتی پیچیدگی

^۱ signalling

^۲ relationship investment-based theory

سازمانی را افزایش داده و شفافیت گزارشگری مالی را کاهش می‌دهد (بالاکریشن، بلوین و گای، ۲۰۱۹). تامین‌کنندگان ممکن است مشتریانی با کیفیت حسابداری پایین را ریسک‌پذیرتر در نظر بگیرند (رامان و شهرور، ۱، ۲۰۰۸؛ گارسیا ترول و مارتینز-سولانو و سانچز-بالستا، ۲۰۱۴) و بنابراین ممکن است تمایل کمتری به افزایش اعتبار تجاری آن‌ها داشته باشند.

۲. پیشینه تجربی

حسن و حبیب (۲۰۲۳)، پژوهشی تحت عنوان اجتناب از مالیات شرکت‌ها و اعتبار تجاری انجام دادند. با استفاده از نمونه‌ای از شرکت‌های فهرست‌شده ایالات متحده در دوره ۱۹۸۷-۲۰۱۷، نشان دادند که شرکت‌های اجتناب‌کننده مالیات بیشتر به اعتبار تجاری ارائه‌شده توسط تامین‌کننده به‌عنوان منبع تامین مالی متکی هستند. همچنین نتایج آنان نشان داد که رابطه بین اجتناب مالیاتی و اعتبار تجاری برای شرکت‌هایی با موارد زیر برجسته‌تر است: (۱) عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر و (۲) محدودیت‌های تامین مالی بیشتر. در یک تحلیل اضافی، آنان مشخص نمودند که اجتناب از مالیات شرکت‌ها با کاهش دسترسی به وام‌های بانکی، اتکای شرکت‌ها به اعتبار تجاری را افزایش می‌دهد. به طور کلی، این پژوهش شواهدی ارائه می‌کند که نشان می‌دهد اجتناب مالیاتی پیامدهای مهمی برای منبع ارزشمند جایگزین تامین مالی یعنی اعتبار تجاری با اعتبار بانکی دارد. توسون و یلدیز (۲۰۲۲)، پژوهشی تحت عنوان رابطه بین عدم قطعیت مالیاتی و اعتبار تجاری: شواهد در سطح شرکت از ایالات متحده انجام دادند. با استفاده از اندازه‌گیری عدم قطعیت مالیاتی بر اساس ذخیره حسابداری برای بدهی مالیات احتمالی، مشخص شد که عدم قطعیت مالیاتی به طور منفی با استفاده از اعتبار تجاری و سرمایه‌گذاری موجودی مرتبط است. به‌طور کلی، یافته‌های پژوهش آنان کانال جدیدی را نشان می‌دهد که از طریق آن سیاست‌های برنامه‌ریزی مالیاتی بر تصمیم‌های شرکت تأثیر می‌گذارد و نشان می‌دهند که سیاست‌های برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت، تعیین‌کننده‌های مهمی برای استفاده از اعتبار تجاری و سرمایه‌گذاری موجودی آن است. نگوین (۲۰۲۱)، پژوهشی تحت عنوان اجتناب از مالیات و خوانایی صورت‌های مالی انجام داد. نتایج رگرسیون پانل آنان یک رابطه منفی بین اجتناب از مالیات و خوانایی صورت‌های مالی را نشان می‌دهد. این رابطه برای شرکت‌هایی که با احتمال بیشتری از حسابرسی مالیاتی قبلی مواجه هستند، شرکت‌هایی در صنایع با ریسک مالیاتی بالاتر و شرکت‌هایی با مالکیت نهادی بزرگتر، قوی‌تر است.

^۱ Raman and Shahrur

^۲ García-Teruel, Martínez-Solano & Sánchez-Ballesta

ستایش و ابراهیمی (۱۴۰۰)، پژوهشی تحت عنوان رابطه جانشینی میزان استفاده از اهرم مالی در ساختار سرمایه و اجتناب مالیاتی انجام دادند. آنان بیان می‌دارند که شرکت‌ها برای رشد و توسعه به منابع مالی نیاز دارند و تصمیم‌گیری در خصوص استفاده از منابع مختلف مالی و تعیین ساختار مطلوب سرمایه، که موجب حداکثر شدن ثروت سهامداران می‌شود، یکی از مسائل مهمی است که مدیران با آن روبرو هستند. به همین دلیل، آنان در این پژوهش، به بررسی رابطه جانشینی بین میزان استفاده از اهرم مالی و اجتناب مالیاتی در ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول آنان نشان داد که میزان استفاده از اهرم مالی و اجتناب مالیاتی با یکدیگر رابطه منفی و معناداری دارند، که به عبارتی، اثر جانشینی اهرم مالی را نشان می‌دهد. همچنین، بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم مشخص شد که تأثیر متغیر تعدیل‌کننده هزینه اهرم مالی بر رابطه بین میزان استفاده از اهرم مالی و اجتناب مالیاتی معنادار است. حسینی و کریمی (۱۴۰۰)، پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی، ریسک مالیاتی و هزینه بدهی در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام دادند. برای این منظور، اطلاعات ۱۴ بانک پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طول سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۸ با استفاده از روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک انتخاب شدند. نتایج پژوهش ایشان نشان می‌دهد که اجتناب مالیاتی تأثیرگذار بر هزینه بدهی است و ریسک نقشی در این رابطه ندارد.

۳- فرضیه‌های پژوهش

طبق مطالب بیان شده دو فرضیه اصلی این پژوهش به صورت زیر تبیین می‌گردد:

فرضیه اول: اجتناب مالیاتی بر اعتبار تجاری اثر معناداری دارد.

فرضیه دوم: اجتناب مالیاتی با محدود کردن دسترسی به اعتبار بانکی، اتکا به اعتبار تجاری را افزایش می‌دهد.

۴. روش تحقیق

به دلیل این که نتایج حاصل از پژوهش می‌تواند در فرآیند تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار گیرد، مطالعه حاضر از شاخه پژوهش‌های کاربردی است و از آنجایی که داده‌ها بر اساس اطلاعات واقعی گذشته جمع‌آوری شده‌اند از نوع پس رویدادی است. همچنین این پژوهش، از لحاظ ماهیت توصیفی-همبستگی است، در این گونه پژوهش‌ها هدف، مطالعه و بررسی روابط بین متغیرهای پژوهش می‌باشد. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۰۶ شرکت انتخاب شده از جامعه آماری است، که

این جامعه آماری کلیه شرکت‌های عضو بورس تهران را شامل می‌شود. نمونه برگزیده در این پژوهش، پس از اعمال شرایط خاصی انتخاب گردیده است. خلاصه این شرایط شامل موارد زیر است:

۱. پذیرفته شده تا پایان اسفند ۱۳۹۰ در بورس تهران،
 ۲. پایان سال مالی به تاریخ پایان اسفند ماه،
 ۳. حذف شرکت‌های واسطه‌گری مالی،
 ۴. عدم خروج از بورس تا پایان اسفندماه ۱۴۰۰،
 ۵. عدم توقف معاملاتی بیش از شش ماه و
 ۶. لزوم در دسترس بودن اطلاعات مورد نیاز جهت اندازه‌گیری متغیرها می‌باشد.
- در نهایت پس از اعمال شرایط مذکور، در مجموع ۱۰۶۰ سال-شرکت، حجم نمونه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهد.

۱-۴-مدل‌ها و متغیرهای پژوهش

به پیروی از پژوهش حسن و حبیب (۲۰۲۳)، برای بررسی تاثیر اجتناب مالیاتی بر اعتبار تجاری از مدل رگرسیون ۱ و جهت بررسی اثر جایگزینی اعتبار تجاری با اعتبار بانکی مدل رگرسیونی با رویکرد معادلات همزمان ۲ برآورد شده است.

$$TC_{it} = \alpha_0 + \beta_1 AVOIDANCE_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 MTB_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 GS_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۱)}$$

که در این مدل:

TC اعتبار تجاری،

AVOIDANCE اجتناب مالیاتی،

SIZE اندازه شرکت،

MTB فرصت رشد آینده،

ROA سودآوری،

LEV اهرم مالی و

GS رشد فروش را نشان می‌دهد.

در مدل ۲ بررسی می‌شود که آیا اعتبار تجاری جایگزین اعتبار بانکی می‌شود یا خیر. همچنین میزان تأثیر اجتناب مالیاتی به طور مستقیم و غیرمستقیم (با محدود کردن دسترسی به بدهی

بانک) بر استفاده از اعتبار تجاری برآورد می‌شود. برای تخمین چنین اثراتی از مدل معادله همزمان ۲ استفاده گردیده است:

$$TC_{it} = \psi_0 + \psi_1 AVOIDANCE_{it} + \psi_2 BANK - DEBT_{it} + \psi' Controls_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل (۲)

$$BANK - DEBT_{it} = \gamma_0 + \gamma_1 AVOIDANCE_{it} + \gamma' Controls_{it} + \varepsilon_{it}$$

این مدل از دو معادله تشکیل شده که در آن معادله اول نشان می‌دهد چگونه اعتبار بانکی (بدهی بانکی) بر اعتبار تجاری تأثیر می‌گذارد. ضریب منفی و معنی دار ψ_2 نشان دهنده جانشینی اعتبار تجاری و اعتبار بانکی است. وجود اجتناب مالیاتی در معادله اول این امکان را فراهم می‌کند که اجتناب مالیاتی تأثیر مستقیمی بر اعتبار تجاری داشته باشد. معادله دوم نشان می‌دهد که چگونه اجتناب مالیاتی بر اعتبار تجاری از طریق تأثیر آن بر اعتبار بانکی (اثر غیر مستقیم) تأثیر می‌گذارد. به طور خلاصه، اثر مستقیم اجتناب مالیاتی بر اعتبار تجاری توسط ψ_1 و اثر غیرمستقیم با $\psi_2 * \gamma_1$ در معادلات اول و دوم به دست می‌آید. که در این مدل‌ها، TC اعتبار تجاری، AVOIDANCE اجتناب مالیاتی، BANK - DEBT اعتبار بانکی (بدهی بانکی) و متغیرهای کنترلی شامل اندازه شرکت، فرصت رشد آینده، سودآوری، اهرم مالی و رشد فروش می‌باشد (حسن و حبیب، ۲۰۲۳).

۲-۴- متغیر وابسته

در این پژوهش به پیروی از ایزدینیا و طاهری (۱۳۹۴)، اعتبار تجاری به عنوان نسبت حساب‌های پرداختنی به مجموع دارایی‌های شرکت اندازه‌گیری می‌شود.

متغیرهای مستقل

اجتناب مالیاتی: به منظور محاسبه اجتناب مالیاتی هر شرکت همانند پژوهش‌های دایرنگ، هانلون و مایدو (۲۰۰۸) و آیزز، لپلیت و اسچوآب ۱ (۲۰۱۱) از نرخ مؤثر مالیات پرداختی به عنوان نماینده متغیر مستقل استفاده شده است. بر این اساس هر چقدر میانگین نرخ مؤثر مالیات پرداختی یک شرکت طی سه سال اخیر پایین باشد، دارای اجتناب مالیاتی بیشتری است. بر این اساس نرخ مؤثر مالیات پرداختی به صورت رابطه ۱ محاسبه شده است.

AVOIDANCE (رابطه ۱) (مجموع سود مشمول مالیات طی سه سال اخیر) / (مجموع مالیات پرداختی طی سه سال اخیر) =

اعتبار بانکی: مطابق با پژوهش خدای پور و امینی نیا (۱۳۹۲)، از لگاریتم طبیعی بدهی بانکی به عنوان شاخص اندازه گیری اعتبار بانکی استفاده شده است.

۳-۴- متغیرهای کنترلی

در این پژوهش جهت کنترل اثرات سایر متغیرها بر متغیرهای وابسته از تعدادی متغیر کنترلی استفاده گردیده، که شامل اندازه شرکت (*SIZE*) (لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام)، فرصت رشد آینده (*MTB*) (نسبت ارزش بازار دارایی ها به ارزش دفتری دارایی ها)، سودآوری (*ROA*) نسبت سود به دارایی های شرکت، اهرم مالی (*LEV*) (نسبت کل بدهی به کل دارایی و رشد فروش (*GS*) (فروش دوره جاری منهای فروش دوره قبل تقسیم بر فروش دوره قبل)، می باشد.

۵. تجزیه و تحلیل داده ها و یافته های پژوهش

۱-۵- آمار توصیفی

جدول ۱ آمار توصیفی متغیرهای مطالعه حاضر را نشان می دهد که شامل اطلاعاتی در ارتباط با تعداد مشاهدات، میانگین، میانه و از جمله شاخص های پراکندگی شامل انحراف معیار، چولگی و کشیدگی جهت بررسی توزیع داده های متغیر می باشد. در مورد متغیر اعتبار تجاری، ملاحظه می شود که اکثر داده های این متغیر که میانگین آن برابر ۰/۲۲۷ است در بازه کمتر از میانگین قرار داشته، زیرا میانه آن نشان می دهد حداقل ۵۰٪ مشاهده ها در بازه ی کمتر از میانگین آن قرار دارند. این مقادیر گزارش شده نشان دهنده آن است که در شرکت های مورد بررسی این پژوهش، میزان اعتبار تجاری در اکثر شرکت ها، مقادیر پایینی را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که با بررسی مقادیر حاصل از توصیف داده های مرتبط با متغیر اعتبار بانکی، این نتیجه حاصل می شود که اکثر شرکت های مورد مطالعه این پژوهش ساختار تامین مالی خود را به اعتبار بانکی اختصاص داده اند. مقادیر به دست آمده برای متغیر اجتناب مالیاتی نیز به طور تقریبی نشان دهنده سطح یکنواختی از اجتناب مالیاتی استفاده شده، توسط شرکت های مورد بررسی را دارد. مقایسه مقادیر گزارش شده در جدول آمار توصیفی بر اساس بررسی های محققین این مطالعه، سازگار با پژوهش های داخلی و خارجی بوده، اما در مورد متغیر اعتبار بانکی و اعتبار تجاری، متفاوت از پژوهش های خارجی است. در ارتباط با متغیرهای کنترلی نیز، مقایسه شاخص های آورده شده در این جدول با مطالعات داخلی و خارجی گواه آن است که تفاوت معناداری با ادبیات تجربی ندارند.

جدول (۱) امار توصیفی متغیرها

نام متغیر	نماد	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار	چولگی	کشدگی
اعتبار تجاری	TC	0/227	0/175	0/795	0	0/186	1/56 7	5/116
اجتناب مالیاتی	AVOIDANCE	۱۲۱۰/	۷۰/12	۴۸۰/3	0	0/083	0/0 ۲۹	۴۷۹۲/
اعتبار بانکی	BANK_D EBT	11/75	12/62 1	17/89 3	0	4/046	- 1/94 5	6/444
اهرم مالی	LEV	0/534	0/537	0/905	0/162	0/183	0/13 7	2/316
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB	6/171	4/113	23/72 2	0/641	5/819	1/74 1	5/263
سودآوری	ROA	0/205	0/171	0/645	- 0/136	0/161	0/64 1	2/981
رشد شرکت	SALE	0/349	0/306	1/671	- 0/405	0/412	0/74 3	3/631
اندازه شرت	SIZE	29/35 1	29/24 1	34/81 5	26/23 6	1/824	0/50 1	2/897

منبع: محاسبات تحقیق

جدول ۲ نتایج برازش مدل رگرسیونی ۱، از طریق تخمین‌زن FGLS، با متغیر وابسته اعتبار تجاری را نشان می‌دهد. جهت تأیید نیکویی برازش مدل، با توجه به اینکه آماره والد دارای سطح معنی‌داری زیر ۵ درصد است، می‌توان در سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد اظهار داشت، که مدل برازش شده از اعتبار بالایی برخوردار است. سطح معناداری متغیر اجتناب مالیاتی در جدول ۲، دارای ضریب منفی (۰/۳۳۵-) و معنادار (۰/۰۰۰۱) بوده و بیان می‌دارد با افزایش اجتناب از مالیات از سوی شرکت‌های مورد بررسی این پژوهش، میزان اعتبار تجاری کاهش پیدا کرده است. نتایج به-دست آمده از حقایق بسیار جالبی پرده برمی‌دارد، که در ادامه پس از آزمون فرضیه دوم در بخش نتیجه‌گیری به آن پرداخته خواهد شد.

جدول (۲) نتایج برآورد مدل رگرسیونی

متغیر وابسته: اعتبار تجاری						
متغیر	نماد	ضریب	خطای	آماره Z	احتمال	آزمون

۱/۰۲	۰/۰۰۰۱	-۸/۰۱	۰/۰۴۱۹	-۰/۳۳۵	AVOIDANCE	اجتناب مالیاتی
۱/۴۵	۰/۰۰۰۱	۸/۰۹	۰/۰۲۱	۰/۱۷۱	LEV	اهرم مالی
۱/۲۳	۰/۲۳۳	۱/۱۹	۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۰۷	MTB	نسبت ارزش
۱/۴۴	۰/۰۰۰۱	-۷/۸۷	۰/۰۲۴	-۰/۱۹۱	ROA	سودآوری
۱/۲۶	۰/۰۰۰۲	-۳/۰۶	۰/۰۰۰۹	-۰/۰۲۹	GS	رشد شرکت
۱/۴۰	۰/۰۰۰۵	۲/۸۱	۰/۰۰۰۲۳	۰/۰۰۰۶۶	SIZE	اندازه شرت
	۰/۹۴۷	-۰/۰۷	۰/۰۷۱	-۰/۰۰۰۴	C	عرض از مبدا
۳۳۲/۸۲					آماره والد	
۰/۰۰۰۱					احتمال آماره والد	
۱۰۶۰					تعداد مشاهدات	

منبع: محاسبات تحقیق

جدول ۳ تخمین رگرسیونی مدل ۲ (رویکرد معادلات همزمان) با متغیر وابسته اعتبار تجاری و اعتبار بانکی را نشان می‌دهد. در تایید نیکویی برازش مدل، با عنایت به سطح معناداری کمتر از ۵ درصد آماره خی دو، برای دو معادله مدل ۲، می‌توان در سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد، اظهار نمود که مدل برازش شده از اعتبار بالایی برخوردار است. سطح معناداری متغیر اجتناب مالیاتی در نتایج خروجی مدل تخمینی ۲، دارای ضریب منفی (۰/۳۳۵-) و معنادار (۰/۰۰۰۱) می‌باشد. همچنین ضریب منفی اعتبار بانکی (۰/۰۰۷-)، که معنادار نیز می‌باشد (۰/۰۰۰۱)، بیان‌کننده ارتباط منفی بین اعتبار بانکی و اعتبار تجاری است. بدین صورت که هر چه اعتبار بانکی (تامین مالی از طریق بانک) برای یک شرکت در نمونه مورد بررسی این پژوهش بیشتر باشد، میزان اعتبار تجاری آن (حسابهای پرداختی)، کمتر است و نشان می‌دهد که اعتبار تجاری و اعتبار بانکی می‌توانند جایگزین یکدیگر شوند. مضاف بر این، در معادله دوم مدل همزمان برازش شده، ضریب مثبت و اما غیرمعنادار متناظر با اجتناب مالیاتی (۰/۴۵۲)، نشان می‌دهد که اجتناب مالیاتی تأثیری بر اعتبار بانکی ندارد. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده، فرضیه جانشینی اعتبار تجاری با اعتبار بانکی مورد تایید قرار گرفته، اما فرضیه ریسک‌گریزی اعتباردهندگان در نمونه مورد بررسی پژوهش حاضر، برجسته‌تر می‌شود. ضریب تعیین معادله رگرسیونی اول و دوم نیز به ترتیب نشان می‌دهند که ۱۸ و ۲۳ درصد از تغییرات متغیرهای وابسته فرضیه دوم (اعتبار تجاری و اعتبار بانکی)، توسط متغیرهای مستقل و کنترلی قابل توضیح است.

جدول (۳) نتایج برآورد مدل ۲ (رویکرد معادلات همزمان)

متغیر وابسته در معادله اول: اعتبار تجاری						
متغیر	نماد	ضریب	خطای	آماره	احتمال	آزمون
اجتناب مالیاتی	AVOIDANCE	-۰/۳۲۵	۰/۰۶۲	-۵/۲۱	۰/۰۰۰۱	۱/۰۲
اعتبار بانکی	BANK_DEBT	-۰/۰۰۷	۰/۰۰۱	-۴/۹۲	۰/۰۰۰۱	۱/۳۰
اهرم مالی	LEV	۰/۲۶۲	۰/۰۳۵	۷/۳۱	۰/۰۰۰۱	۱/۶۲
نسبت ارزش	MTB	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۱۱	۰/۹۲	۱/۳۰
سودآوری	ROA	-۰/۲۴۸	۰/۰۳۸	-۶/۴۲	۰/۰۰۰۱	۱/۴۶
رشد شرکت	GS	-۰/۰۴۵	۰/۰۱۴	-۳/۲۲	۰/۰۰۱	۱/۲۶
اندازه شرت	SIZE	۰/۰۱۶	۰/۰۰۳	۴/۵۲	۰/۰۰۰۱	۱/۶۰
عرض از مبدا	C	-۰/۲۰۱	۰/۱۰۴	-۱/۹۲	۰/۰۵۴	
آماره خی دو		۲۳۰/۱۴				
احتمال آماره خی دو		۰/۰۰۰۱				
ضرب تعیین		۰/۱۸				
تعداد مشاهدات		۱۰۶۰				
متغیر وابسته در معادله دوم: اعتبار بانکی						
متغیر	نماد	ضریب	خطای	آماره	احتمال	آزمون
اجتناب مالیاتی	AVOIDANCE	۰/۹۸۸	۱/۳۱۳	۰/۷۵	۰/۴۵۲	VIF
اهرم مالی	LEV	۸/۰۴۳	۰/۷۱۳	۱۱/۲۸	۰/۰۰۰۱	۱/۴۵
نسبت ارزش	MTB	-۰/۱۶۳	۰/۰۲۱	-۷/۸۶	۰/۰۰۰۱	۱/۲۳
سودآوری	ROA	-۳/۰۷۴	۰/۸۰۸	-۳/۸۱	۰/۰۰۰۱	۱/۴۴
رشد شرکت	GS	-۰/۵۸۶	۰/۲۹۶	-۱/۹۸	۰/۰۴۸	۱/۲۶
اندازه شرت	SIZE	۰/۸۶۱	۰/۰۷۱	۱۲/۱۶	۰/۰۰۰۱	۱/۴۰
عرض از مبدا	C	-۱۶/۰۷۳	۲/۱۳۵	-۷/۵۳	۰/۰۰۰۱	
آماره خی دو		۳۱۶/۴۹				
احتمال آماره خی دو		۰/۰۰۰۱				
ضریب تعیین		۰/۲۳				
تعداد مشاهدات		۱۰۶۰				

منبع: محاسبات تحقیق

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

ادبیات نظری و تجربی مرتبط با تاثیر اجتناب مالیاتی بر اعتبار تجاری دیدگاه‌های متفاوتی را مطرح می‌نماید که می‌توان این دو دیدگاه را در دو طبقه ریسک‌گریزی و جایگزینی مورد بررسی قرار داد. از یک سو اجتناب از مالیات ممکن است فعالیت‌های فرصت‌طلبانه مدیران را برای اعتباردهندگان برجسته نموده و آنان را در معرض ریسک قرار دهد. همچنین آسیب اعتبار ناشی از اجرای استراتژی‌های مالیاتی تهاجمی می‌تواند اعتماد بین اعتبارگیرنده و تامین‌کننده را به خطر بیندازد و تامین‌کنندگان را وادار کند که اعتبار تجاری را به مشتریانی که در فعالیت‌های اجتناب از مالیات شرکت می‌کنند تعلق ندهند. علاوه بر احتمال ریسک‌گریزی اعتباردهندگان، تا جایی که اجتناب مالیاتی نیاز به سایر منابع تامین مالی را به دلیل عدم خروج منابع مالی از طریق استراتژی اجتناب مالیاتی و هزینه ضمنی بیشتر آن، کاهش می‌دهد (ادواردز، اسچواب و شولین، ۲۰۱۶)، شرکت‌های اعتبارگیرنده ممکن است از اعتبار تجاری استفاده ننمایند. یک موضوع مهم دیگری نیز وجود دارد که احتمالاً موجب تاثیر منفی اجتناب مالیاتی بر اعتبار تجاری شود و آن نیز از نتایج به دست آمده پژوهش حاضر قابل اثبات است. بررسی تجربی این پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین استفاده از تسهیلات مالی در ساختار سرمایه در شرکت‌های خارجی نسبت به شرکت‌های ایرانی وجود دارد. بطوری که میانگین استفاده از تسهیلات مالی در ساختار سرمایه بجای اعتبار تجاری در شرکت‌های مورد بررسی این پژوهش تقریباً سه برابر بیشتر از ارقام گزارش شده در پژوهش‌های خارجی است. یکی از دلایل این تفاوت معنادار می‌تواند تمایل شرکت‌ها به استفاده از اعتبار بانکی در شرایط تورمی باشد، که نتایج تجربی پژوهش حاضر این استدلال را تقویت می‌نماید.

از سوی دیگر، بر اساس دیدگاه دوم با تکیه بر استدلال جایگزینی، یک رابطه مثبت بین اجتناب مالیاتی و اعتبار تجاری قابل پیش‌بینی است. به بیان بهتر، بانک‌ها ممکن است اجتناب مالیاتی را به‌عنوان یک تعهد پرخطر در نظر بگیرند و تنها با شرایط بسیار سخت‌گیرانه وام دهند، در نتیجه دسترسی شرکت‌های اجتناب‌کننده مالیاتی را به یک منبع رسمی تامین مالی محدود می‌کنند (حسن و همکاران، ۲۰۱۴). اجتناب از مالیات علاوه بر داشتن مزایایی برای شرکت‌ها، هزینه‌های متعددی را نیز به دنبال داشته، که از جمله آن می‌توان به افزایش هزینه وام‌های بانکی (حسن و همکاران، ۲۰۱۴؛ ایسین، ۲۰۱۸) اشاره کرد. در این صورت اجتناب مالیاتی با محدود کردن دسترسی به اعتبار بانکی، احتمالاً اتکا به اعتبار تجاری را افزایش خواهد داد. بنابراین شرکت‌های اجتناب‌کننده از مالیات به دنبال منابع مالی جایگزین، مانند اعتبار تجاری هستند. این تعهد پرخطر در خصوص اعتبار تجاری ممکن است تا حدودی تحت تاثیر روابط اعتباردهنده تجاری و اعتبارگیرنده قرار گرفته و ریسک‌گریزی را در بین ارائه دهندگان اعتبار تجاری کاهش دهد. مطالعات موجود نشان می‌دهد که تامین‌کنندگان ممکن است به شرکت‌هایی که از اجتناب مالیاتی

استفاده می‌کنند، اعتبار تجاری ارائه دهند، زیرا یک رابطه پایدار ممکن است در بلندمدت برای آنها مفید باشد. علاوه بر این، طبق نظریه علامت‌دهی پس‌اندازهای نقدی ناشی از اجتناب مالیاتی ممکن است سیگنال مثبتی را برای تامین‌کنندگان فراهم کند، مبنی بر اینکه مشتریان کمتر احتمال دارد در پرداخت‌های خود قصور کنند (حسن و حبیب، ۲۰۲۳).

در راستای بررسی فرضیه‌های پژوهش حاضر از جامعه مورد بررسی، به تعداد ۱۰۶ شرکت در بازه زمانی ۱۳۹۱ الی ۱۴۰۰ که در مجموع ۱۰۶۰ سال-شرکت را تشکیل می‌دهد، به روش حذف سیستماتیک برگزیده و اطلاعات به دست آمده از نمونه منتخب با استفاده از رگرسیون پنل دیتا و الگوی رگرسیونی FGLS و رویکرد معادلات همزمان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج فرضیه اول نشان می‌دهد که اجتناب مالیاتی تاثیر منفی و معناداری بر اعتبار تجاری داشته و هر چه میزان اجتناب مالیاتی بیشتر باشد، تامین‌کنندگان منابع مالی اعتبار تجاری کمتری به اجتناب‌کنندگان مالیاتی پرداخت می‌کنند. این نتایج تا حدودی همراستا با پژوهش ایسین (۲۰۱۸) و ستایش و ابراهیمی (۱۴۰۰) و مخالف با پژوهش حسن و حبیب (۲۰۲۳) و دسای، فولی و هینز (۲۰۱۶) است. دلایل بسیار زیادی ممکن است به چنین اثری منجر شود. نخست بر اساس مبانی نظری بیان شده در این پژوهش، ممکن است تامین‌کنندگان منابع مالی به دلیل ماهیت ریسک‌گریزیشان اعطای اعتبار تجاری به اجتناب‌کنندگان از مالیات را به عنوان یک خطر در نظر بگیرند و در نتیجه اعتبار تجاری کمتری را به اجتناب‌کنندگان مالیات ارائه دهند (ادواردز، اسچوآب و شولین، ۲۰۱۶). علاوه بر این اجتناب مالیاتی ممکن است به عنوان یک منبع تامین مالی موقت عمل کرده و بر اعتبار تجاری تاثیر منفی داشته باشد (حسن و حبیب، ۲۰۲۳). همچنین نتایج حاصل از بررسی آمار توصیفی این مطالعه نشان می‌دهد که شرکت‌های مورد بررسی در این پژوهش بیشتر ساختار سرمایه خود را به بدهی‌های بانکی به جای اعتبار تجاری اختصاص داده‌اند. استدلال ما بر این است که این مورد می‌تواند در شرایط تورمی رخ دهد. زیرا با وجود افزایش مستمر قیمت‌ها، تمایل شرکت‌ها به تامین مالی از طریق بانک را افزایش می‌دهد و از طرفی نیز اعتبار دهنده تجاری در چنین شرایطی حاضر به اعطای اعتبار به دلیل زیان ناشی از جایگزینی اعتبار فعلی نیست. این موضوع سبب می‌شود که شرکت‌ها با هر هزینه‌ای حاضر به دریافت تسهیلات مالی به جای اعتباری بانکی باشند.

نتایج فرضیه دوم از طریق رویکرد معادلات هم‌زمان، نشان می‌دهد که اجتناب مالیاتی بر اعتبار تجاری اثر منفی و معناداری داشته و اعتبار بانکی نیز بر اعتبار تجاری اثر منفی و معناداری دارد. همچنین تاثیر اجتناب مالیاتی بر اعتبار بانکی معنادار نمی‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که اثر جایگزینی اعتبار تجاری و اعتبار بانکی مورد تایید قرار گرفته اما دلیل آن اجتناب مالیاتی نمی‌باشد.

به عبارت بهتر اجتناب مالیاتی با کاهش اتکای شرکت بر اعتبار بانکی موجب افزایش استفاده از اعتبار تجاری نمی‌شود. بارزترین دلیلی که می‌تواند این نتیجه را حاصل نماید، شرایط و محیط اقتصادی ایران است. تحت تاثیر افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، شرکت‌ها به سمت تامین منابع مالی خود، از طریق تسهیلات مالی هدایت می‌شوند. این مورد از طریق ساختار سرمایه آن‌ها قابل اثبات است. تفاوت نتایج مطالعه حاضر با پژوهش‌های خارجی نیز در همین موضوع برجسته می‌شود، زیرا میانگین میزان استفاده بدهی بانکی در ساختار سرمایه شرکت‌های ایرانی بطور تقریبی سه برابر بیشتر از شرکت‌های خارجی است. از سوی دیگر می‌توان دلایل دیگری از جمله ریسک‌گریزی اعتباردهندگان تجاری و یا تامین مالی موقت از طریق اجتناب مالیاتی را دلیلی بر تاثیر منفی اجتناب مالیاتی بر اعتبار تجاری دانست. این موضوع برای بانک‌ها ممکن است صادق نباشد، زیرا بانک‌ها با اعمال شرایط سخت‌گیرانه‌تر می‌توانند این ریسک را کاهش دهند. نتایج پژوهش حاضر در معادله دوم مدل رگرسونی همزمان، بر این موضوع صحت می‌گذارد. نتایج نشان می‌دهد ارائه‌دهندگان اعتبار بانکی اهمیتی برای اجتناب مالیاتی قائل نیستند و یا این ریسک را از طریق اعمال شرایط سخت‌گیرانه که حتی بتواند زیان ناشی از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها را جبران نماید، کاهش دهند. بنابراین، به‌طور کلی می‌توان بیان نمود که فرضیه جایگزینی اعتبار تجاری و اعتبار بانکی مورد تایید قرار می‌گیرد، اما دلیل این جایگزینی اجتناب مالیاتی نمی‌باشد و در شرایط جامعه آماری پژوهش حاضر این اعتبار بانکی است که جایگزین اعتبار تجاری می‌شود.

از آنجایی که نتایج فرضیه اول نشان می‌دهد، اعتبار تجاری به‌طور منفی از اجتناب مالیاتی اثر می‌پذیرد، به شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود جهت دریافت اعتبار تجاری بیشتر، از فعالیت‌های اجتناب از مالیات دوری نمایند، زیرا اعتبار تجاری مزایای مختلفی داشته که تداوم و رشد شرکت‌ها را تضمین می‌کند (کانات، ۲۰۰۷). محققین در پژوهش‌های آتی می‌توانند اثر اجتناب مالیاتی بر اعتبار تجاری را با در نظر گرفتن شاخص تورم در نمونه مورد بررسی خود انجام دهند زیرا افزایش سطح عمومی قیمت‌ها ممکن است اعتباردهندگان تجاری را از اعطای اعتبار به دلیل زیان جایگزینی اعتبار منصرف نماید و یا اینکه شرکت‌های اجتناب‌کننده را به سمت اعتبار بانکی سوق دهد.

منابع

۱. ایزدی‌نیا، ناصر و طاهری، مسعود (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و اعتبار تجاری، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۹(۶)، ۸۱-۱۰۲.
۲. جعفری هدی، ایزدی‌فرد علی‌اکبر، محسنی دهکلانی محمد (۱۳۹۹). بررسی فقهی فرار از مالیات حکومتی نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۹ (۳۲): ۳۱-۵۱.
۳. حاجیان، نجمه؛ بیات، الهه و حبیبی، رضا (۱۳۹۹). بررسی تأثیر ریسک مالیاتی و اجتناب مالیاتی بر هزینه استقراض، نشریه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۳(۳۰)، ۳۲-۵۴.
۴. حسینی، سید رسول و کریمی، جعفر (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی، ریسک مالیاتی و هزینه بدهی در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دومین کنفرانس بین‌المللی چالش‌ها و راهکارهای نوین در مهندسی صنایع و مدیریت و حسابداری.
۵. ستایش، محمد حسین و ابراهیمی، فهیمه (۱۴۰۰). رابطه جانشینی میزان استفاده از اهرم مالی در ساختار سرمایه و اجتناب مالیاتی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۳(۴۹)، ۵۳-۷۲.
۶. غفوریان تفریحی، زهرا و داودی‌فر، محمدحسین (۱۳۹۵). ارتباط بین عدم تقارن اطلاعات و اجتناب از مالیات، دومین کنفرانس بین‌المللی در مدیریت، حسابداری و اقتصاد.
۷. فرنودی، ایرج و قجریبگی، مهسا (۱۴۰۰). بررسی تأثیر پریشانی مالی و محدودیت مالی بر اعتبار تجاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۵(۱۷)، ۱۰۱-۱۱۹.
۸. کریمی سجاد، محمدی احمد، متقی علی اصغر، عربصالحی مهدی (۱۴۰۱). ارزیابی و رتبه‌بندی عوامل اقتصادی و مالی مؤثر بر شفافیت مالیاتی شرکت‌ها از طریق بکارگیری روش بهترین-بدترین سلسله‌مراتبی، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۱ (۴۰): ۱۶۳-۱۹۲.
۹. محمدعلی تبار اندواری، روح‌الله (۱۴۰۰). تأثیر اجتناب مالیاتی بر رابطه بین سرمایه‌گذاری بیش از حد و محدودیت در تأمین مالی با رویکرد مدلسازی معادلات ساختاری، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۵(۱۷)، ۱۴۹-۱۶۸.

۱۰. مهدوی رحمان، آذین فر کاوه، داداشی ایمان، برزگر قدرت ا... (۱۴۰۱). بررسی تأثیر خوانایی گزارش مالی بر اعتبار تجاری با تأکید بر نقش توانایی مدیریت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*. ۱۱ (۳۹): ۱۹۵-۲۲۰.

11. Ayers, B., Laplante, S. & Schwab, C. (2011). Does Tax Deferral Enhance Firm Value?, Working Paper. University of Georgia.
12. Balakrishnan, K., Blouin, J., and Guay, W. (2019). Tax aggressiveness and corporate transparency. *The Accounting Review*, 94 (1), 45-69.
13. Chen, D., Liu, M., Ma, T., and Martin, X. (2017). Accounting quality and trade credit. *Accounting Horizons*, 31 (3), 69-83.
14. Cuñat, V., (2007). Trade credit: suppliers as debt collectors and insurance providers. *Review of Financial Studies*, 20 (2), 491-527.
15. Dass, N., Kale, J.R., and Nanda, V. (2015). Trade credit, relationship-specific investment, and product market power. *Review of Finance*, 19, 1867-1923.
16. De Simone, L., and Stomberg, B. (2012). Do investors differentially value tax avoidance by income mobile firms? Working paper, The University of Texas at Austin. Available from SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2102903>.
17. Deloof, M., and Jegers, M. (1999). Trade credit, corporate groups, and the financing of Belgian firms. *Journal of Business Finance & Accounting*, 26 (7-8), 945-966.
18. Desai, M., Foley, C., and Hines, J.R, Jr. (2016). Trade credit and taxes. *Review of Economics and Statistics*, 98, 132-139.
19. Dyreng, S.D., Hanlon, M., Maydew, E.L. (2010). The effects of executives on corporate tax avoidance. *Account. Rev.* 85 (4), 1163-1189.
20. Edwards, A., Schwab, C., and Shevlin, T. (2016). Financial constraints and cash tax savings. *The Accounting Review*, 91 (3), 859-881.
21. Emery, G. W., (1987). An optimal financial response to variable demand. *The Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 22 (2), 209-225.
22. Farnoudi, I. & Qajrbeigi, M (1400). Investigating the effect of financial distress and financial restrictions on the trade credit of companies admitted to the stock exchange. *Scientific Journal - New Research Approaches to Management and Accounting*, 5(17), 101-119. (in Persian)

23. Fisman, R., and Love, I., (2003). Trade credit, financial intermediary development, and industry growth. *The Journal of Finance*, 58 (1), 353–374.
24. Frank, M. M., Lynch, L., and Rego, S. (2009). Tax reporting aggressiveness and its relation to aggressive financial reporting. *The Accounting Review*, 84 (2), 467–496.
25. Frank, M.M., and Rego, S.O. (2006). Do managers use the valuation allowance account to manage earnings around certain earnings targets? *Journal of the American Taxation Association*, 28 (1), 43–65.
26. García-Teruel, P. J., Martínez-Solano, P., and Sánchez-Ballesta, J.P. (2014). Supplier financing and earnings quality. *Journal of Business Finance & Accounting*, 41 (9–10), 1193–1211.
27. Ghafourian Tafrihi, Z. & Dawoudifar, M. H. (2015). The relationship between information asymmetry and tax avoidance. *Second International Conference on Management, Accounting and Economics*. (in Persian)
28. Gonçalves, A. B., Schiozer, R. F., and Sheng, H. H. (2018). Trade credit and product market power during a financial crisis. *Journal of Corporate Finance*, 49, 308–323.
29. Gupta, S., Laux, R. C., and Lynch, D. P. (2016). Do firms Use Tax reserves to meet analysts' forecasts ? Evidence from the Pre and post-FIN 48 periods. *Contemporary Accounting Research*, 33 (3), 1044–1074.
30. Hajian, N. Bayat, E. & Habibi, R. (2019). The impact of Tax avoidance and tax risk on the cost of debt. *Journal of Perspective Accounting and Management*, 3(30), 32-54. (in Persian)
31. Hasan, I., Hoi, C.K., Wu, Q., and Zhang, H. (2014). Beauty is in the eye of the beholder: the effect of corporate tax avoidance on the cost of bank loans. *Journal of Financial Economics*, 113, 109–130.
32. Hasan, M. M., & Habib, A. (2023). Corporate tax avoidance and trade credit. *Accounting and Business Research*, 1-30 .
33. Hosseini, S. R. & Karimi, J. (2021). Investigating the relationship between tax avoidance, tax risk and cost of debt in banks listed on the Tehran Stock Exchange, the second international conference on new challenges and solutions in industrial engineering, management and accounting. (in Persian)

34. Isin, A.A. (2018). Tax avoidance and cost of debt: the case for loan-specific risk mitigation and public debt financing. *Journal of Corporate Finance*, 49, 344–378.
35. Izadinia, N. & Taheri, M. (2016). Examining the relationship between the quality of accounting information and trade credit. *Experimental Accounting Research*, 19(6), 102-81. (in Persian)
36. karimi S, mohamadi A, motaghi A A, arabsalehi M. (2022). Evaluating and ranking of economic and financial factors affecting the tax transparency of companies by using the best-worst hierarchical method. *Mieaoi*.11 (40) : 7. (in Persian)
37. Khurana, I.K., Moser, W.J., and Raman, K.K. (2018). Tax avoidance, managerial ability, and investment efficiency. *ABACUS*, 54 (4), 547–575.
38. Kim, J., Li, Y., and Zhang, L. (2011). Corporate tax avoidance and stock price crash risk: firm-level analysis. *Journal of Financial Economics*, 100 (3), 639–662.
39. Jafari H, Izadi Fard A A, Mohseni Dehkalany M.(2020). Jurisprudential study of tax evasion. *Mieaoi*. 9 (32) :31-51. (in Persian)
40. Mohammad Ali Tabar Andvari, R. (1400). The effect of tax avoidance on the relationship between overinvestment and limitation in financing with structural equation modeling approach. *New Research Approaches in Management and Accounting*, 5(17), 149-168. (in Persian)
41. Molina, C. A., and Preve, L. A. (2012). An empirical analysis of the effect of financial distress on trade credit. *Financial Management*, 41 (1), 187–205.
42. Nguyen, J. H. (2021). Tax avoidance and financial statement readability. *European Accounting Review*, 30 (5), 1043–1066.
43. Petersen, M. A., and Rajan, R. G. (1995). The effect of credit market competition on lending relationships. *The Quarterly Journal of Economics*, 110 (2), 407–443.
44. Plumlee, M.A. (2003). The effect of information complexity on analysts' use of that information. *The Accounting Review*, 78 (1), 275–296.
45. Raman, K., and Shahrur, H. (2008). Relationship-specific investments and earnings management: evidence on corporate suppliers and customers. *The Accounting Review*, 83 (4), 1041–1081.

46. Robinson, L.A., and Schmidt, A.P. (2013). Firm and investor responses to uncertain tax benefit disclosure requirements. *Journal of the American Taxation Association*, 35 (2), 85–120.
47. Setayesh, M. H. & Ebrahimi, F. (1400). The Relationship between Financial Leverage Replacement Use in Financial Structure and Tax Avoidance. *Financial Accounting and Audit Research*, 13(49), 53-72. (in Persian)
48. Smith, J. K. (1987). Trade credit and informational asymmetry. *The Journal of Finance*, 42 (4), 863–872.
49. Mahdavi R, azin far K, dadashi I, barzgar G O. (2022). investigate the effect of readability financial reporting on credit with emphasis on the role of management ability in listed companies in Tehran stock exchange. *Mieaoi*. 11 (39) : 8. (in Persian)
50. Tosun, M.S., and Yildiz, S. (2022). The relationship between tax uncertainty and trade credit: firm-level evidence from the United States. *Applied Economics*, 54 (15), 1742–1758.
51. Wilner, B. S. 2000. The exploitation of relationships in financial distress: the case of trade credit. *The Journal of Finance*, 55 (1), 153–178.
52. Wu, W., Firth, M., and Rui, O. M. (2014). Trust and the provision of trade credit. *Journal of Banking & Finance*, 39, 146–159.
53. Zhang, M., Ma, L., Su, J., and Zhang, W. (2014). Do suppliers applaud corporate social performance? *Journal of Business Ethics*, 121 (4), 543–557.